



روان شناسی زن

مؤلف: کارن هورنای

مترجم: ابودر کرمی

www.ketab.ir



سرشناسه: هورنی، کارن، ۱۸۸۵ - ۱۹۵۲ م.

Horney, Karen

عنوان و نام پدیدآور: روان شناسی زن / نوشته کارن هورنای، ترجمه ابودر کرمی.

مشخصات نشر: تهران: دایره، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۳۶۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۰۰۴۷-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Feminine psychology, 1973.

یادداشت: چاپ سوم.

یادداشت: کتاب حاضر در سال ۱۳۸۲ با ترجمه سهیل سمی تحت عنوان "روان شناسی زنان" توسط ققنوس چاپ

و در همین سال با ترجمه (از متن فرانسه) محمد حسین سروری توسط دایره منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان دیگر: روان شناسی زنان.

موضوع: زنان -- روانشناسی.

موضوع: امور جنسی -- جنبه های روان شناسی.

موضوع: رفتار جنسی.

موضوع: زنان.

شابسه افزوده: کرمی، ابودر، ۱۳۵۲ - مترجم.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ر ۹ ۸۶۶ / ۵ ۱۲۰۶ HQ

رده بندی دیویی: ۱۵۵/۶۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۵۴۲۹۶

عنوان: روان شناسی زن

تألیف: کارن هورنای

مترجم: ابودر کرمی

مدیر تولید: داریوش سازمند

کتاب آرا: موسسه فرهنگی و هنری آفتاب هنر

ناشر: دایره

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف نگار

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه / قطع: رقعی

چاپ اول: ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۰۰۴۷-۴

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. مرکز تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران، خیابان استاد مطهری، خیابان سلیمان خاطر (امیر اتابک)، کوچه اسلامی، بیش کوچه پانزده، شماره ۴/۲

کد پستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۱۱ - صندوق پستی: ۴۱۴۶-۱۴۱۵۵ - تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸ - ۸۸۸۱۲۰۸۳ - تلفکس: ۸۸۸۴۲۵۴۳

فروش اینترنتی و آشنایی با نشر دایره در: www.iketab.com

آدرس سایت: www.danjeh.org

آدرس میل: info@danjeh.org

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۴۳	سپاسگزاری
۴۷	فصل ۱: خاستگاه عقده احتگی در زنان
۷۱	فصل ۲: فرار از زنانگی
۹۵	فصل ۳: زنانگی سرکوب شده
۱۱۵	فصل ۴: مسئله آرمان تک‌همسری
۱۳۷	فصل ۵: تنش پیش از قاعدگی
۱۵۱	فصل ۶: بی‌اعتمادی بین زن و مرد
۱۶۹	فصل ۷: مشکلات ازدواج
۱۸۷	فصل ۸: وحشت از زن
۲۰۹	فصل ۹: انکار واژن
۲۳۱	فصل ۱۰: عوامل روان‌زا در اختلالات عملکردی زنان
۲۵۱	فصل ۱۱: تعارض‌های مادری
۲۶۳	فصل ۱۲: ارزش بیش از حد قائل شدن برای عشق
۳۰۳	فصل ۱۳: مسئله آزارطلبی زنان
۳۳۱	فصل ۱۴: تغییرات شخصیت در دختران نوجوان
۳۴۷	فصل ۱۵: نیاز روان‌رنجورانه به عشق

مقدمه

فروید در سال ۱۹۳۵ اظهار داشت که نقطه‌ای اوج تحقیقات روان‌کاوی او سال ۱۹۱۲ بوده است.^۱ او اضافه کرد: «از زمانی که فرضیه‌ی وجود دو نوع غریزه [غریزه‌ی حیات^۲ و غریزه‌ی مرگ^۳] را مطرح کردم و شخصیت روانی را به بخش‌های خود،^۴ فراخود^۵ و نهاد^۶ تقسیم‌بندی نمودم تا به حال، چیزی که نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد بر روان‌کاوی نیفزوده‌ام.»

کارن هورنای در سال ۱۹۱۳ مدرک پزشکی خود را در برلین دریافت کرد و دوره آموزشی روان‌پزشکی و روان‌کاوی را در آنجا به پایان رساند. او در سال ۱۹۱۷ اولین مقاله‌ی^۷ خود را در مورد روان‌کاوی نوشت و تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۹۲۰ از اعضا و مدرسان برجسته‌ی «مؤسسه‌ی روان‌کاوی

1-Sigmund Freud, "An Autobiographical Study," in *Collected Papers*, Vol. XX (London: The Hogarth Press, 1936; also Published New York, W.W. Norton & Co., Inc., 1952).

2-Eros

3-death instinct

4-ego

5-superego

6-id

7-Karen Horney, "The Technique of Psychoanalytic Therapy" ("Die Technik der Psychoanalytischen Therapie"), *Zeitschr. F. Sexualwissenschaft*, IV (1917).

برلین» شد. او در سال ۱۹۲۳ اولین مجموعه مقالات^۱ خود را در مورد روان‌شناسی تحت عنوان «منشأ عقده‌ی اختگی در زنان»^۲ که در این کتاب آمده است چاپ کرد.

فروید تقریباً ۳۰ سال از هورنای بزرگ‌تر بود. در طول دوره‌ای که هورنای برای پربارترین دوره زندگی‌اش آموزش می‌دید فروید از نقطه اوج عظیم‌ترین قدرت‌های خلاق خود عبور کرده بود. ارزیابی فروید از خودش در سال ۱۹۳۵ متأثر از دردی بود که علت آن، «یک بیماری کشنده» بود و زندگی و کار او را مختل کرده بود. پس از سال ۱۹۲۳، فروید دوباره به علایق نخستین خود بازگشت که اوج آن در کتاب موسی و یکتاپرستی^۳ (۱۹۳۹) تجلی پیدا کرد. فروید می‌نویسد: «پس از عمری پژوهش در علوم طبیعی، پزشکی و روان‌درمانی به علاقه‌ی اصلی‌ام یعنی مسائل فرهنگی برگشتم؛ موضوعی که از گذشته‌های دور یعنی زمانی که هنوز جوانکی بیش نبودم و حتی فکر کردن را هم بلد نبودم مرا مجذوب خود کرده بود»^۴.

نظریه‌های علمی و فرهنگی مثل انسان‌ها ریتم و آهنگ خاص خود را دارند. چرخه‌ها و علایق متغیر آن‌ها در نسل‌های متوالی که به آن‌ها کمک می‌کنند منعکس می‌شود. به همین ترتیب، در بررسی تاریخچه جنبش

۱- مقالات زیر در مورد روان‌شناسی زن به قلم کارن هورنای در این کتاب نیامده است:

الف: «عقده نرینگی زنان» (Der Mannlichkeitskomplex der Frau)

ب: «تناسب و عدم تناسب روان‌شناختی برای ازدواج»

(Psychische Eignung und Nichteignung Zur Ehe)

ج: «شرایط روان‌شناختی در انتخاب زوج»

(Über die Psychischen Bestimmungen der Gattenwahl)

د: «ریشه‌های روان‌شناختی برخی از تضادهای خاص ازدواج»

(Über die Psychischen Wurzeln einiger typischer Ehekonflikte)

(Das Misstrauen Zwischen den Geschlechtern)

ه: «بی‌اعتمادی میان زن و مرد»

2-On the Genesis of Castration Complex in Women 3-Moses and Monotheism

4-Freud, op. cit.

روان‌کاوی شاهد ظهور شیوه‌های متفاوتی در تشریح رفتار هستیم.^۱ در این مقدمه، بر روی ظهور ایده‌های فروید و هورنای در مورد روان‌شناسی زن تأکید خاصی خواهیم کرد.

توانایی یک نابغه در فراتر رفتن از «جهان‌بینی» (*Weltanschauung*) ای که در آن پرورش یافته محدودیت‌هایی دارد. یک نسل دیگر طول می‌کشد تا جهشی بنیادی به سوی یک الگوی جدید در علم^۲ و به سمت یک جهان‌بینی یک‌پارچه به کیهان صورت گیرد.

فروید محصول قرن نوزدهم بود. عصر روشنگری، منزلت فرد و برتری خرد را تعالی بخشیده بود. روش‌شناسی نگرش عملی موجب پیشرفت‌های عظیمی در علوم طبیعی شده بود. با اینکه انسان غربی هنوز در پذیرش خورشید در مرکز منظومه شمسی مشکل داشت، نظریه‌ی تکامل داروین، او را متحیر کرد و کمی بعد با ایده‌های فروید در مورد ناخودآگاه مواجه شد.

طبیعتاً ابعاد خاصی از محیط بلاواسطه‌ی زندگی فروید بر نگرش وی نیز تأثیر گذاشت. او در «فرایبرگ»^۳ واقع در «موراویا»،^۴ یکی از ایالت‌های اتریش، در میان یک گروه اقلیت مطرود به دنیا آمد و در یک خانواده‌ی سنتی یهودی بزرگ شد. در چنین خانواده‌ای مرد ارباب و سرور بود و زن موجودی کم‌اهمیت. جانب‌داری بیش از حد و آشکاری که مادر نسبت به فروید نشان می‌داد مهر تأییدی است بر اهمیت این مرد سالاری. امپراطوری رو به نابودی اتریش و مجارستان و وین کاتولیک مذهب از یک طرف و آداب

1-Harold Kelman and J.W. Vollmerhausen, "On Horney,s Psychoanalytic Techniques, Developments and Perspectives," in *Psychoanalytic Techniques*, ed. B.B. Wolman (New York, Basic Books, 1967).

2-Thomas S. Kuhn, *The Structure of Scientific Revolutions* (Chicago, The University of Chicago Press, First Phoenix Edition, 1964) P. 159.

3- Freiberg

4-Moravia

و رسوم زاهد مآبانه، خشک مقدسانه و ریاکارانه‌ی جنسی عصر ویکتوریا بر روی فروید تأثیر گذاشت. فروید در مقام یک مرد نابغه، یک روان‌شناسی مردم‌محور را مطرح کرد که پایه‌های آن بر اساس اصول ثابت کالبدشناسی - «کالبد بشر تقدیر اوست» - استوار بود؛ اصولی که معیارها و روش‌شناسی‌های علم قرن نوزدهم آن‌ها را تحکیم و تقویت می‌کرد.

فروید می‌گوید: «روان‌کاوی شاخه‌ای از علم است و می‌تواند بر «جهان‌بینی» علمی صحنه بگذارد».^۱ واقعیت‌ها به عنوان داده‌های مرتبط با آزمایش‌های علمی محسوب می‌شدند. واقعیت‌ها را می‌شد مشاهده، اندازه‌گیری و عینی کرد. می‌شد آن‌ها را در آزمایش‌های تکرارپذیر با نتایج قابل پیش‌بینی کنترل کرد. این آزمایش‌ها فرضیه‌هایی را امتحان می‌کردند که در صورت تأیید عمومی به قانون تبدیل می‌شدند.

علم قرن نوزدهم به نظام‌های مجزا و بسته‌ای می‌پرداخت که مبنای آن‌ها مفهوم جبرگرایی مطلق بود. در روش روان‌کاوی که متأثر از این نظام فکری بود روان‌کاو و محیط زندگی بیمار، مختصات ثابتی محسوب می‌شدند. بنابراین در ساختار مورد نظر فروید که مبتنی بر آزمایش و پژوهش بود بیمار، تنها متغیر محسوب می‌شد و به عنوان یک موضوع منفرد و در راستای روش‌شناسی‌های علوم طبیعی مورد درمان قرار می‌گرفت.

ساختار علوم طبیعی در قرن نوزدهم خیلی منعطف‌تر شد و امکان درجه‌بندی جبرگرایی را فراهم ساخت. به همین ترتیب، محیط و بیمار به عنوان عوامل به هم وابسته در روان‌کاوی اهمیتی فزاینده پیدا کردند. دغدغه‌های زیبایی‌شناختی، اخلاقی و معنوی که در قرن نوزدهم، دغدغه‌ی علم به حساب نمی‌آمدند و در نتیجه در روش‌شناسی‌های روان‌کاوانه‌ی

1-Sigmund Freud, *New Introductory Lectures* (New York, W.W. Norton & Co, Inc., 1965), p. 181.

تحقیقی دخیل نبودند نیز در علم قرن بیستم از جایگاهی محوری برخوردار شدند.

کارن هورنای در هامبورگ و در خانواده‌ای پروتستان که از طبقه‌ای بالاتر از طبقه متوسط بود متولد شد. پدر او اعتقاد قلبی به قرائت کتاب مقدس داشت و این کار را انجام می‌داد. مادر هورنای یک آزاداندیش بود. کارن هورنای در اوایل دوره نوجوانی اشتیاق زیادی به مذهب پیدا کرد که در آن زمان، رویدادی طبیعی در بین دختران نوجوان بود. خانواده‌ی وی از امنیت اقتصادی و اجتماعی برخوردار بود. پدرش (برنت هنریک واکلز دانیلسن)^۱ یک ناخدای نیروی بود که بعدها شهروند آلمانی و ناخدا یکم ارشد شرکت کشتی‌رانی «نورث جرمن لوید»^۲ شد. هورنای در دوره‌ی جوانی به همراه پدر به سفرهای طولانی دریایی می‌رفت و این چنین بود که اشتیاق برای سفر و علاقه به جاهای عجیب و غریب و دوردست تا آخر عمر با او بود. مادرش (کلوتیلده ماری وِن رُونزِلِن)^۳ هلندی بود.

محیط‌هایی که فروید و هورنای در آن به دنیا آمدند تفاوت زیادی با هم دارند. پدر و مادر فروید در زمان تولد او در شرایط سختی زندگی می‌کردند و ظهور ملی‌گرایی چک در مخالفت با حاکمیت اتریش و خصومت چک‌ها با اقلیت یهودی آلمانی زبان شرایط را وخیم‌تر می‌کرد. پدر فروید تاجر پشم بود و افول صنعت نساجی که ممر درآمد پدرش بود خانواده‌ی آن‌ها را مجبور کرد تا به وین مهاجرت کنند. فروید در این زمان سه ساله بود. فروید ۱۲ سال بیشتر نداشت که شاهد «تسلیم و بزدلی»^۴ پدرش در مقابل تحقیر یک

1-Berndt Henrick Wackles Danielsen

2-North German Lloyd

3-Cothilde Marie van Ronzelen

4-F. G. Alexander and S.T. Selesnick, *The History of Psychiatry* (New York. Harper & Row, Publishers, 1966), pp. 186- 87.

فرد غیریهودی بود. این وضعیت فروید را آشفته کرد و تا میانسالی هنوز نیاز به جایگزین کردن پدر آرمانی ناپوده شده را احساس می‌کرد.

هر چند هورنای اوقات زیادی را در سفرهای طولانی دریایی با پدرش گذرانده بود اما این مادرش بود که تأثیر بیشتری بر روی وی گذاشت. هورنای به علت غیبت‌های طولانی و مکرر پدرش اوقات خیلی بیشتری را با مادر پویا، باهوش و زیبایش می‌گذرانند که از برنت، برادر بزرگتر کارن، طرفداری می‌کرد. کارن برادرش را می‌ستود و خیلی به او وابسته بود. با این وجود، برنت پس از دوره نوجوانی نقش محدودی در زندگی کارن هورنای ایفا کرد.

در پایان قرن نوزدهم اینکه زنی تصمیم بگیرد پزشک شود هنوز هم غیرمعمول بود اما کارن هورنای به تشویق مادرش چنین تصمیمی گرفت. او برای گذراندن دوره‌ی آموزشی پزشکی، روان‌پزشکی و روان‌کاوی به برلین رفت. او هیچ‌گاه دلایل خود را برای برگزیدن حرفه‌ی روان‌کاوی در نوشته‌های خود بیان نکرده است. او دانشجویی عالی و معمولاً شاگرد اول کلاس بود. توانایی و شخصیت او باعث شد اساتید هورنای و هم‌چنین همکاران مذکرش به او احترام بگذارند.

او در سال ۱۹۰۹ در سن ۲۴ سالگی با یک وکیل اهل برلین به نام اسکار هورنای ازدواج کرد و صاحب سه دختر شد. اما به دلیل تفاوت علایق و فعالیت‌های روزافزون خود در جنبش روان‌کاوی در سال ۱۹۳۷ از شوهرش طلاق گرفت. احتمالاً مشکلات مرتبط با نقش مادری و شغل وی و فروپاشی ازدواجی که دیگر برای وی معنی‌ای نداشت در علاقه‌مندی وی به روان‌شناسی زن دخیل بوده است. با این وجود، من احساس می‌کنم علاقه‌ی او بیشتر تحت تأثیر تعهد وی به روان‌کاوی، اشتیاق او به پژوهش و تیزبینی مشاهدات بالینی وی می‌باشد. او در مقام یک درمانگر این انگیزه را نیز داشت

که تفاوت بین نظریه‌های روان‌کاوی فرویدی و نتایج درمانی کاربرد این نظریه‌ها را که خود هورنای به آن‌ها رسیده بود کشف کند.

هورنای بخش اعظم زندگی خود را در برلین سپری کرد؛ این دوره با ظهور و سقوط رایش دوم و سلطه‌ی قیصر همزمان بود. هر چند هورنای قطعاً تحت تأثیر این رویدادها قرار می‌گرفت اما علاقه‌ی زیادی به سیاست نداشت و با وجود اینکه از موقعیت نابرابر زنان مسلماً آگاهی داشت اما احساس نمی‌کنم مشاهدات او در مورد موقعیت جامعه‌شناختی زنان تأثیر زیادی بر علاقه او به روان‌شناسی زن گذاشته باشد. عزیمت وی به ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۳۲ صرفاً به دلیل ظهور هیتلر نبود. هر چند هورنای در فعالیت‌های اجتماعی شرکت نداشت اما از موضوعات اجتماعی و موقعیت جهان کاملاً آگاه بود و از سازمان‌های امدادی و آرمان‌های آزادی‌خواهانه کاملاً حمایت می‌کرد. او در سال ۱۹۴۱ موضع ضد فاشیستی خود را صریحاً اعلام کرد و اعتقاد خود را چنین بیان نمود: «اصول دموکراتیک با ایدئولوژی فاشیستی اختلاف فاحشی دارند و این اصول بر استقلال و قدرت فرد تأکید نموده و بر حق فرد برای خوشبختی پافشاری می‌کنند.»^۱

در ابتدا کارل آبراهام^۲ که فروید وی را یکی از تواناترین شاگردان خود می‌دانست و سپس هانس زاخس^۳ که احترام بسیار زیادی برای فروید قائل بود هورنای را مورد تحلیل روان‌کاوی قرار دادند. تحلیلی که به وسیله‌ی چنین پیروان وفاداری صورت گیرد به احتمال زیاد هم جهت با نظرات فروید خواهد بود نه در خلاف جهت آن‌ها.

1-Karen Horney, Biography, in *Current Biography*, Vol. II, No.8 (New York, H.W. Wilson Co, August 1941), pp. 27-29.

۲-روانکاو آلمانی (1870-1937) Karl Abraham

3-Hanns Sachs